

ارسال: ۱۴۰۰/۲/۶

پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۸

10.22034/nf.2024.208174

بازخوانی گزارش مسوول در خصوص کارگزاری های ایران در مملکت عثمانی (۱۳۲۸ ق.م)

نظام علی دهنوی* (استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران - ایران)

شهرام غلامی** (استادیار گروه تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی خرم آباد، خرم آباد - ایران)

چکیده: در بازشناسی رویدادها و تحولات تاریخی، نقش اسناد بسیار برجسته است و بدون بررسی آنها بخش عمده‌ای از واقعیات گذشته از نگاه پژوهشگران مکتوم می‌ماند. هدف این اثر بازخوانی و بازشناسی گزارش مفصل و بسیار ارزشمند مسوول، مفتش کل وزارت امور خارجه ایران، در باب کنسولگری‌های ایران در مملکت عثمانی است. این گزارش حاوی اطلاعات گران‌بهایی است در باب روزگار و شرایط ایرانیان مسلمان و ارمنی در خاک عثمانی، عملکرد نامناسب کارگزاران ایرانی و عثمانی نسبت به اتباع ایرانی در آن دیار، تقلب و فساد در میان مأموران این دو مملکت، تأثیر مشروطیت و تحولات پس از آن بر ایرانیان عثمانی و سوءاستفاده‌های مأموران آن کشور از نابسامانی‌های ایران با تضييع حقوق ایرانیان در خاک عثمانی و نحوه ساماندهی تذکره و عایدات شانس‌گیری در کنسولگری‌های ایران.

کلیدواژه‌ها: ایران، عثمانی، ژنرال کنسولگری، مسوول، اسماعیل فرزانه، کارگزاری.

مع‌ذک از نتیجه‌ای که تا به حال حاصل شده و روزبه‌روز بیشتر ثابت می‌شود، باید ملاحظه کرد که ژنرال کنسولگری ایران در اسلامبول نباید مخصوصاً در فکر تحصیل عایدات گزاف برای خزانه

۱. بخش اول این مقاله در نامه فرهنگستان (ویژه نامه آسیای صغیر)، شماره پیاپی ۸۵، به چاپ رسیده است.

* N_dehnavi@pnu.ac.ir

** shahramgholami1975@gmail.com

دولت باشد، بلکه باید قبل از همه چیز حفظ حقوق و منافع و شرف اتباع ایران را در مقابل اقدامات خارجی ها و در موقع لزوم در مقابل حرکات خودشان به طور مؤثر تأمین نماید. بنابراین بودجهٔ مخارج جنرال قنسولگری، که بر^۱ قران مخارج عمومی و^۲ قران مقرر۱ اجزاء شامل شامل می باشد، ممکن است در کمال خوبی تأمین شده و مبلغ قران (رجوع کنید به ضمیمه) هم فاضل بیاورد.

چنان که از صورت مندرجه در ضمیمهٔ این راپرت ملاحظه می شود، مقرری مستخدمین چندان زیاد نیست و باید همین که عایدات ثابت شد، مقرری های مزبور را به مبلغی که پیش بینی کرده ام، ترقی داد. عدهٔ اجزای قنسولگری فعلاً چهار نفر ترجمان و شش نفر منشی است. منشی ها اشخاصی خدمتگزار و لایق هستند، اما چنان که بعد عرض خواهد شد، ترجمان ها باید تجدید شوند. (۱۲) مخصوصاً میل دارم جلب توجه اولیای امور را به طرف میرزا علی اکبر خان بهمن، ویس قنسول، که اخیراً تعیین شده است، هوش و جدیت و فعالیت این شخص برای خدمت دولت وعده های خوب می دهد. بنده با کمال میل تأکید می کنم که این شخص صفات فوق العاده دارد و باید به او موقع داد که صفات مزبوره را به کار بیندازد.

بعدها در ذیل این راپرت، یعنی در طی یادداشت های خود راجع به اعضاء هیئت قنسول های ایران در ولایات، مسئله وضع اعضاء مزبوره را در تحت دقت خواهم آورد.

گمان می کنم در طهران اینک در خصوص وضع اخلاقی و نفوذ مهاجرین ایران مقیمین اسلامبول و در خصوص مقام محترمی که حاصل نموده، تصور خطایی می کنند. بلی، باید گفت وضع قدرشناسی و احترامی که اینجا نسبت به ایرانی ها داشتند، به طور خیلی سریعی تغییر نموده. بنابر اظهارات اشخاص موثق تا پنج شش سال قبل، مهاجرین ایرانی در اسلامبول به عده شش الی هفت هزار نفر، مشغول تجارت کلی و جزئی از همه قبیل و صنایع مختلفه بوده اند. صفات بی فضایی که ایرانی ها را در تمام اسلامبول محترم ساخته و اسم ایرانی را به دیانت و درستی مشهور نموده بود،

۱. در سند به همین شکل خالی است.

۲. در سند به همین شکل خالی است.

عبارت بود از: بروز وجدان در کارها و صحت در معاملات و یک دیانت فوق‌العاده در تعهدات تجارتمندی و یک دقت کامل در پرداخت و جوه در موعد قبول بروات و غیره. این بود که نسبت به ایرانی‌ها اعتبار زیاد و مهلت‌های طولانی می‌دادند و مطمئن بودند که یک دیانت ثابت چندین ساله ضمانت آنها را می‌کند. حتی نقل می‌کنند که شرافت و احترام اسم ایرانی در اینجا به اندازه‌ای بلند بود که بسیاری از خارجه‌ها هم برای شرکت در شرافت و احترام مزبور، کلاه ایرانی بر سر می‌گذاشتند.

به واسطه نفوذ این وضع، منافع مهاجرین ایرانی در اسلامبول رو به ترقی بود و فواید گزاف از تجارت خود می‌بردند. تصویری که هنوز در تهران و تبریز در خصوص وضع تجار در اسلامبول می‌کنند، مسلماً به واسطه رسیدن این شهرت و نام نیک به ایران می‌باشد.

اما اینک پرده تغییر کرده و شخص هیچ نمی‌فهمد چگونه جماعتی که مدت‌های مدید به واسطه صفات حسنه تجارتمندی خود به آن اندازه مورد قدردانی و احترام واقع شده بودند، در ظرف این مدت قلیل در اول شهر تجارتمندی عثمانی یک وضعی پیدا کرده‌اند که روزبه‌روز به واسطه خوف و عدم اطمینان و تردید فروشندگان بدتر و خراب‌تر می‌شود. اینک نقل بعضی عادات و رسوم تجار ایرانی مقیمین اسلامبول در این راپرت بی‌محل نیست، زیرا که مطالب مزبوره جواب سؤال فوق را می‌دهد.

توضیح آنکه بعضی از تجارتخانه‌های ایران در اسلامبول وکیل و عامل دارند. وکلا و عمال مذکوره در اسلامبول جنس خریداری کرده، به داخله ایران می‌فرستند. آن وقت، همین‌که به اعتبار ایام گذشته، مبالغی جنس خریداری کردند و بدهی آنها مبلغ معتناهی^۱ شد، غفلتاً بدون اینکه تعهدات خود را انجام داده باشند، از اسلامبول فرار می‌کنند و به نقاط دور دست رفته، برای نپرداختن قروض خود هزار عذر می‌تراشند. جلوگیری از این ترتیب هم در عثمانی ممکن نیست؛ چه در خاک عثمانی، (۱۳) مال و مکتبی ندارند که ضبط شود. و از طرف دیگر، می‌دانند فقدان یا عدم قدرت محاکم ایرانی هم مانع از دفع این مفاسد است. به این ترتیب، عدم دیانت این آقایان عاقبت فروشندگان را از مطالبه خسته می‌کند و جای افسوس است که به واسطه عدم دیانت و تقلب ایشان مقداری از نام نیک و اعتبار ایران هم از میان می‌رود.

۱. در سند: متناهی.

این نتیجه، مخصوصاً در بعضی معاملات که از چندی قبل معمول شده، مرتباً در کار است. توضیح آنکه بعضی از تجار آذربایجان به توسط بعضی اشخاص، که غالباً با آنها قوم و خویش هستند، در اسلامبول شعبه‌ای دایر کرده، تا مدتی به اسم شرکتی، معاملات و خرید اجناس نموده، گاهی به ایران می‌فرستند و گاهی در محل تجارت می‌کنند. همین که مبلغ خریداری‌های مزبور به حداکثر اعتباری که تجارتخانه داشته است، رسید آن وقت یکی از شرکاء مفقود می‌شود و آن یکی که باقی مانده است از انجام تعهدات شریک خود امتناع ورزیده، بهانه می‌آورد که ما شریک نبودیم و آن دیگری فقط برای خود خرید نموده است. چون تعقیب محاکماتی با ترتیب کاپیتولاسیون خیلی پیچیده و در هم است، خیلی مشکل است بتوان اقدام سریع و مفیدی نمود و بالاخره نتیجه این معامله که جز تقلب چیزی نیست، این می‌شود که مال و طلب فروشنده از میان رفته، مشا‌ئله کم‌کم از معامله با ایرانی توبه می‌کند. وقتی که علاوه بر ترتیب مذکور، حکایت قروض متعدده و معاملات تجارتي که بعد از قطع منکر می‌شوند و کنتراهای که شرایط آن را رعایت نمی‌کنند تا بالاخره منجر به محاکمه می‌شود، در این محاکمات هم غالباً اتباع ایران محکوم می‌شوند؛ ملاحظه کنیم می‌فهمیم افکار عمومی در اسلامبول حق دارند در تحت اثر سوئی باشند.

بی‌فایده نیست دو واقعه که اخیراً روی داده و شرح آن به‌طور فصیح توضیح مسطورات فوق را می‌نماید به عرض برسانم. چند ماه قبل دو نفر تبعه ایران ورشکست شده، یعنی بعد از دو سال تجارت، ۵۰/۰۰۰ لیره عثمانی بدهی بی‌محل داشتند، در صورتی که وضع تجارتخانه آنها یک تجارتي به این معتبری نشان نمی‌داد.

مسلم است این نوع ورشکست شدن را افکار عمومی تقلبی می‌دانند؛ اما تازه شهرت این ورشکستی خوابیده بود که یک نفر تاجر دیگر که یکی از باشرف‌ترین تجار ایرانی محسوب می‌شد و پدرانش نسلماً بعد نسل در اسلامبول تجارت کرده بودند، به تقلب از اسلامبول عازم طهران گردیده و ۱۵۰۰۰ لیره عثمانی قرض بی‌محل بر جا گذاشت. البته می‌توان فرض کرد که بعضی کیفیات بدبختانه و ناگهانی اسباب این ورشکستی شده، ولی تاجر مشا‌ئله قبل از عزیمت خود به طرف ایران، هرچه پول نقد در اسلامبول داشت به ایران برات کرده بود. این حرکت که چند هفته قبل واقع شد، آخرین سکتته را بر اعتبار ایرانیان در اسلامبول وارد آورد. بعد از نظریات در وقایع مزبوره برای کسی که در حالت اخلاقی مهاجرین ایرانی تعمق نموده باشد، شکی باقی نمی‌ماند که حس تکلیف هر یک از

ایشان چه نسبت به خودش و چه نسبت به وطن در این چند سال اخیر خراب و فاسد شده است.

(۱۴) در زمان سابق، مهاجرین ایرانی در کمال خوبی فهمیده بودند که حفظ مقام آنها در بازار تجارت عثمانی مخصوصاً باید به واسطه دیانت و درستی محفوظ بماند و به همین ملاحظه قانونی برقرار کرده بودند که هیچ تبعه ایرانی نمی تواند از خاک عثمانی عازم ایران شود، مگر اینکه قروض خود را پرداخته، یا ضامن معتبری برای ادای دیون خود داده باشد.

این قانون مدت ها مجری و برقرار بود و برای اجرای این قانون که همه قبول نموده بودند، قرار شده بود قسولگری قبل از اینکه به واسطه تسلیم یا معتبر نمودن تذکره اجازه حرکت و عزیمت اتباع را بدهد، باید ضمانت نامه از طرف یک شخص معتبر مقیم اسلامبول از او تقاضا نماید. اما در این چند سال اخیر، چون عادات دیانت و ترتیب در کارها تغییر کرده بود، این عادت منسوخ شد و کار تجار متقلب آسان گردیده و اسم ایرانی که این سدّ سدید آن را از اقدامات قابل تأسف فوق الذکر حفظ می کرد، دچار خسارت و خسران گردید.

از مسطورات فوق الذکر به خوبی معلوم می شود که وضع تجارت ایران در اسلامبول روز به روز خراب تر می شود، چه بدیهی است بدون اعتبار اتباع ما در اینجا هیچ کار مفیدی نمی توانند بکنند. فقدان اعتبار و اطمینان، معاملات تجارته را سنگین می کند، از وسعت و انبساط دایره تجارت می کاهد. در صورتی که عمده منافع در تجارت کلی است و فقط در معاملات کلی می توان به شرایط سهل اتباع اجناس نمود. ضمناً ضرر زیاد شدن قیمت اجناس به خریداران جزء که در ایران هستند نیز می رسد، زیرا که به این ترتیب مردم مجبورند امتعه را به قیمت گران تر اتباع کنند.

تجار ایران در اسلامبول که این وضع حزن انگیز را ملتفت شده اند، می گویند علت آن تزلزلی است که مدت ها در امورات ایران برقرار بوده و صدمه آن به تجارت عمومی چه در داخله و چه در خارجه^۱ رسیده است و نیز تأکید می کنند که عدم امنیت در ولایات و ضعف حکومت که نمی توان حفظ حقوق رعیت را نموده و اجرای عدالت نماید و خرابی های وارد به واسطه رولوسیون^۲ مخصوصاً

۱. در اصل سند داخله نوشته است.

۲. یعنی انقلاب در زبان فرانسه

در آذربایجان، مدت‌ها اسباب اشکال بلکه قطع معاملات شده و اعتبار بسیاری از تجار معتبر را متزلزل نموده، اما هرگاه استاتیسیتیک^۱ گمرکی دولت علیه را در تحت مذاقه درآورده و ملاحظه کنیم که بر عایدات گمرکی که ظرف چند سال اغتشاش چندان سکنه‌ای حتی در آذربایجان هم وارد نیامده است، یقین می‌کنیم که این استدلال از حیث اهمیت با شدت و حالت اموراتی که به عرض رسانده‌ام تناسب و موافقتی ندارد.

علاوه بر این، حالا که اقلماً متجاوز از یکسال است رولوسیون ایران مخصوصاً در ولایت آذربایجان ختم شده [است]، اگر عذر فوق‌الذکر اساسی می‌داشت، می‌بایستی ترتیب (۱۵) معاملات تجارتهای رو به بهبودی بوده و تجار برای استقرار نظم در کارهای خود و کم‌کم برای تحصیل اعتبار و نام نیک جد و جهد کنند. ولیکن به استثنای چند تجارخانه که با وجود صدمات و خسارات رولوسیون ایران، نام نیک خود را توانسته‌اند در بازار تجارت اسلامبول محفوظ دارند، دیگر اثر و علامتی که اسباب امیدواری به اصلاح عمومی و جدی کارها در آتیه نزدیکی باشد، مشهود نمی‌شود و مخصوصاً در این ایام اخیر، عده احکامی که به واسطه قروض و عدم اجرای کنترات‌ها بر علیه اتباع ایرانی صادر شده و عده تجاری که بعد از خریدهای کلی مفقود شده‌اند و ورشکستگی‌های مظنون به تقلب به اندازه‌ای زیاد شده است که واقعاً اسباب تشویش خاطر می‌باشد.

مسلم است که این وضع ممکن نبود جناب ژنرال قنسول و خود بنده را بی‌خیال بگذارد. اینک بعد از تعمقی که در این خصوص نمودیم، زیلاً علاج‌های رفع این مفسد را به طور تدریج به عرض می‌رساند. عمده علاجی که در این مورد به درد می‌خورد استعمال تصدیق قضائی است.

ترتیب عدالت و محاکمه با کاپیتولاسیون با مشکلاتی مستلزم است که اسباب معطلی و غالباً اثر محاکمه را ساقط می‌کند. علاوه بر این، چون احکامی که از طرف محاکم مختلطه عثمانی یا محاکم قنسولگری خارجه بر علیه اتباع ایران صادر می‌شود، اجرای آن فقط به توسط ژنرال قنسولگری ایران به عمل می‌آید، لهذا اقدامات متخذه بر ضد اتباع ایران در مورد انجام تعهدات و ادای دیون و تفریغ ورشکستگی و غیره، عمده منوط به درجه فعالیت و بسته به میل مأمور قنسولگری است.

۱. یعنی آمار (دهخدا)

راست است که فصل اول قرارداد ۱۲۹۱[ق] در خصوص احکامی که ژنرال قنسولگری ایران تصویب آن را به تأخیر بیندازد، مقرر داشته است که مأمورین خارجه مستقیماً حق اجرای آن را دارند، ولی این مسئله یک اقدام آخری می‌باشد که خوشبختانه تا امروز کمتر به آن متوسل شده‌اند. بعد از اثبات این فقره، یک مطلب دیگر هم باید عرض کنم تا بعد به گرفتن نتیجه شروع نمایم. در مدت سنوات اخیر، مهاجرین ایرانی اسلامبول عدم قدرت حکومت محمدعلی شاه را مغتنم شمرده و ضمناً به واسطه هیجان حیات آزادی طلبانه که بر ایرانیان داخله و خارجه غلبه نموده بود به تأسیس یک انجمنی^۱ اقدام نمودند و این انجمن به مداخله در امورات ژنرال قنسولگری موفق گردید. حضرت اشرف ارفع الدوله^۲ در تحت فشار و اصرار انجمن مزبور، برادر خود، مفتخ‌السلطنه، را معزول نموده، به جای او حاجی موسی خان را برقرار کرد. حاجی موسی خان که برخلاف میل خود و به ترتیبی که به عقیده او منافی نفوذ اداری بود، به این مقام رسیده، فقط سه ماه وظایف مأموریت را بر عهده گرفت و به زودی از قراری که می‌گویند به واسطه اسباب چینی‌های همه قسم که او را تعقیب می‌کردند دلسرد شده، یقین کرد که جد و جهدش منتج (۱۶) نتیجه‌ای نیست و ممکن نیست در آن موقع بتواند از تحت قیمومیت عامه ایرانیان بیرون بیاید. این بود که استعفا داده، این مأمور کافی ترجیح داد از کار کناره کند و حق داشت.

انجمن به جای او یک نفر طیب را که از امور قنسولگری اطلاعی نداشت، انتخاب نمود. این شخص ده ماه روی کار بود و در زمان مأموریت او اقتدار انجمن به درجه کمال رسید. مثلاً تذکرها به توسط انجمن چاپ می‌شد. عده اعضاء و مستخدمین ژنرال قنسولگری و مقرری آنها تمام از طرف انجمن معین می‌شد. حتی اعانه‌های ۲۴۰ لیره عثمانی تقاضا می‌شد. خلاصه اینکه تمام کارهای ژنرال قنسولگری بلااستثنا در تحت نظارت ملت بود.

اگرچه غالباً اعمال کلوب‌های پلیتیکی از حیث اینکه حیات ملت را به طرف آزادی و ترقی تحریک می‌کنند، قابل تمجید است، ولی از طرف دیگر، وقتی بخواهند بر ضد نفوذ و حکومت قانونی

۱. منظور انجمن سعادت ایرانیان در استانبول است.

۲. میرزا رضاخان دانش فرزند حاجی حسن صراف تبریزی در سال ۱۳۱۲ق ملقب به ارفع الدوله. وی مشاغل و مناصب گوناگونی در وزارت خارجه بر عهده داشت. وی در سال ۱۳۱۹ق به عنوان سفیرکبیر ایران در اسلامبول منصوب گردید (سلیمانی، ص ۳۰).

اقدام نموده و حکومت مزبوره را بر حسب بوالهوسی های خود هدایت و اداره کنند این حرکت را باید مذموم دانست و تأسف خورد.

نفوذ انجمن برای ژنرال قنسولگری ایران اسباب خرابی فوق العاده گردید، یعنی ژنرال قنسولگری فقط تابع انجمن و مجری احکام انجمن بود. از تجاری که به خارجه مدیون بودند، حمایت می کرد، بلکه به اسم ملیت که معنی آن را بد فهمیده بودند، در امور تجارتي کارهای خیلی ناشایسته را تصویب و حمایت می کرد و قطعاً از اجرای احکامی که بر علیه اتباع ایران صادر شده بود، امتناع می ورزید. مسلم بود که اخلاق اتباع در ظل یک چنین حمایت کاملی فاسد می شود و از اینجا است که می توان گفت خوف از سیاست و جلوگیری بهترین سدی است در مقابل تعدیات و تجاوزات مختلفه. این بود وضع ژنرال قنسولگری اسلامبول در موقعی که ما وارد شدیم.

اگر نتوانسته باشم مقصود خود را به خوانندگان معظم بفهمانم جای تأسف است که نمی توانم شکایات متعدده مردم را از زمان تشکیل ژنرال قنسولگری به واسطه اراده ترتیب جدید و شکایات وزارت خارجه را از مأمورین مصلح به سمع ایشان برسانم. آن وقت معلوم می شود چقدر جای تأسف است که از یک طرف، این همه ننگ و فضاحت برای ایران حاصل شده و از طرف دیگر، خوف آن می باشد نام نیک، درستی و شرافت که به واسطه چندین سال صفات حسنه برای مهاجرین ایرانی حاصل شده بود، به حالت اولیه برنگردد.

جناب فرزانه، ژنرال قنسول، و بنده به واسطه حسن مسئولیتی که در مقابل اولیای دولت علیه داشتیم فوراً در صدد برآمدیم اقدامی برای رفع این مفاسد بنماییم. اینک شروع به اقدامات شده، ولی مسلم است در تعقیب این اقدامات صدای شکایت بعضی ها که این اقدامات برضد مقاصد آنها است، بلند خواهد شد و برای متزلزل کردن اطمینانی که اولیای امور نسبت به ما داشته اند تا طهران اسباب چینی خواهند کرد و مسلم است بعد از سلب اطمینان مزبور هم اقدامات ما بی اثر خواهد شد؛ معذک ما به تصویب و مساعدت اولیای امور اعتماد داشته، بدون ضعف نفس اقدام خواهیم کرد. (۱۷) برای تصفیه و حفظ درجه اخلاقی اشخاص و تعقیب اصلاحات مفاسد عدالت صحیح مطلقاً لزوم دارد. این بود که تنقیح محکمه قنسولگری قبل از همه چیز ما را مشغول داشت. بلافاصله پیش از ورود ما، امور ژنرال قنسولگری ایران به یک ترجمان پیری محول شده بود که در طول مدت مدید خدمت خود در اسلامبول نه از طرف هم وطنان خود مستحق احترام و اعتبار شده است و نه از طرف اجانب.

این شخص یک تحصیل خصوصی خیلی مختصر، بلکه قریب به صفر نموده، قوانین عثمانی را یا هیچ نمی‌داند یا اگر بداند خیلی کم می‌داند. در صورتی که در محاکم ما قوانین عثمانی معمول است. بدیهی است چنین شخصی برای تکثیر اطلاعات و ریاست یک محکمه مهمی که هفته‌ای سه روز منعقد شده، در ماه قریب صد الی صد و بیست و پنج فقره کار باید بگذراند و اغلب در خصوص منافع گزاف باید حکم کند. چندان لیاقتی نداشت. وقتی که بدانیم تجار اسلامبول به واسطه بی‌مبالاتی و گرفتاری برای وکالت و نمایندگی و عضویت محکمه تجارتی، اشخاص با علم معین نمی‌کنند آن وقت می‌فهمیم که قضات^۱ تجارتی در اسلامبول بی‌لیاقت و بی‌علم و غالباً تابع میل یک نفر آدم بوده و تصمیمات این یک نفر از شائبه غرض و منفعت شخصی عاری نبوده است.

وقتی که ملاحظه کنیم رئیس محکمه جنایتی و حقوقی هر دو یک نفر بوده و دو نفر قاضی هم که بوده‌اند ضعیف‌النفس و بی‌علم بوده‌اند، آن وقت اگر هم نخواهیم عبارت سخت‌تری استعمال کنیم، اقلاً باید بگوییم حیثیت و اعتبار چنین محکمه‌ای در انظار عامه فضیحت‌آمیز و ننگین بوده [است].

محاکم حقوقی و تجارتی و جنایتی وظیفه مخصوصی نداشته و امورات بدون رعایت نوبت و ترتیب مخصوصی به آنها رجوع می‌شده [است]. مأمورین و اعضاء لازمه آنها از قبیل محرر و مدعی‌العموم و غیره، اطلاعات و تعلیمات صریحی در خصوص تکالیف خود نداشته و این فقره هم غالباً بیشتر از اسباب کسر حیثیت و اعتبار محکمه‌ها می‌شد.

محقق است که در خصوص تسریع تسویه کارها و دعاوی در محکمه قنسولگری ملاحظات منافع شخصی می‌شده، زیرا وقتی که جناب فرزانه امور را بر عهده گرفتند یک عده کارهایی که مدت‌ها بود در محکمه معطل مانده بود، تسویه نمودند. این کارها را محکمه بدون جهت معطل گذاشته، به کارهای جدیدتر و کم‌اهمیت‌تر پرداخته بود. نتیجه طبیعی تمام این ترتیبات این شده بود که فقط هر کس چاره‌اش منحصر می‌گردید به محکمه ایرانی رجوع می‌کرد.

بنده برای اینکه در این ماده تحصیل اطلاع نمایم، از جمعی اشخاص سؤالات نموده، مخصوصاً از اکثر وکلای مرافعه که اهمیتی داشتند استفسار نمودم. تمام ایشان نسبت‌هایی به محکمه قنسولگری ایران دادند که بر بنده اثر ناگواری نموده و جرات نمی‌کنم صریحاً عرض کنم.

۱. در سند قضاوت ذکر شده است.

به ملاحظات مزبوره اقدامات فوری لازم بود. جناب فرزانه و بنده قرار گذاشتیم که نه فقط یک قاضی نیک‌نامی معین کنیم، بلکه عده معاونین محکمه را هم عوض دو نفر، چهار نفر معین کردیم. (۱۸) چون دولت ایران هنوز قانون محاکمات تجارتي و حقوقي و جنایتي ندارد، محکمه ژنرال قنسلوگری، قانون عثمانی را که تناسب آن با مذهب و عادات ملی بیشتر است، معمول و مجری می‌دارد. به موجب قانون عثمانی، محاکم ابتدایی مرکب‌اند از سه نفر، یعنی یک رئیس و دو نفر عضو. اما ما برای محکمه قنسلوگری، چنان‌که عرض شد، پنج نفر معین کردیم، برای اینکه امور منظم‌تر باشد. اگرچه به این ترتیب مخارج بیشتر می‌شود، مع‌ذلک نتوانستیم رعایت صرفه را در این خصوص بنماییم.

چنان‌که در فوق عرض شد، به تجربه رسیده است که هرگاه رئیس محکمه مختصری مُصرّ و دقیق باشد، به سهولت ممکن است دو نفر معاون خود را به میل خود مطیع کند. این بود که عدالت و قضاوت در واقع مرجوع به رأی و میل یک نفر می‌شد و آن یک نفر هم غالباً از شائبه غرض مبرّی نبود. اما مسلم است که چهار نفر معاون را مطیع کردن مشکل‌تر است تا دو نفر و بنابراین نفوذ و اقتدار محکمه و ضمناً اطمینان متداعین به این ترتیب بهتر تأمین می‌شود.

ژنرال قنسلو به واسطه گرفتاری به کارهای جاریه متعدده ژنرال قنسلوگری، ممکن نبود خودش ریاست محکمه را اختیار کرده، به این ترتیب، چاره وضع فوق‌الذکر را بنماید. علاوه بر این، در یک ژنرال قنسلوگری مهمی مثل ژنرال قنسلوگری اسلامبول تا اندازه‌ای هم به عقیده بنده ریاست مستقیم محکمه با شغل ژنرال قنسلوگری منافات دارد. به واسطه اینکه، ژنرال قنسلو قوه مجریه است و فقط او می‌تواند احکام محکمه را مجری کند و باید احکام محکمه را مجری کند.

پانزده روز بعد از ورود ما به اسلامبول، ریاست محکمه را از رئیس سابق سلب کرده، یکی از اعضاء محترم سابق ژنرال قنسلوگری ایران که در آن موقع بیکار بود، به ریاست محکمه معین کردیم. مشا‌زالیه بالنسبه متمول و شخصاً هم مورد احترام و اطمینان عامه بود و این خود ضمانتی بود از برای دیانت و وجدان مشا‌زالیه.

اما در خصوص محاکم حقوقي و محاکم جنایتي نیز عده معاونین را تا چند روز دیگر به چهار نفر خواهیم رساند، یعنی همین‌که یک عده اشخاص طرف اطمینان عامه بتوانیم حاضر کنیم شروع به این اقدام خواهیم کرد.

بالاخره در خصوص محکمه تجارتي چون نخواستیم مجلس تجارتي ایران را از خود برنجانیم،

لهذا از مجلس مزبور خواهش کردیم که در مسئله تزئین عده قضات اظهار رأی کند و عن قریب جواب مجلس تجارتنی خواهد رسید.

رأی دادن پنج نفر به جای سه نفر یک ضمانت و تأمینی است که در خصوص آن محتاج به تأکید نیستیم، چه عقلاً لازم بود. علاوه بر این، تمام مردم اعلان خیال تغییر ترتیب محکمه را به وجه مزبور، با کمال مساعدت تلقی کرده و جراید محلی هم این اظهار مساعدت را تأیید کرده بودند.

پس از آنکه ژنرال قنسولگری چنین محکمه‌ای لایق اسم محکمه‌دارا گردید، می‌تواند در اموری که به آن رجوع شده، عدالت سختی مجری داشته در مقابل تمایلات تقلب‌آمیز با حسن نتیجه اقدام کند. اصلاحی که در محکمه شده است از این قرار بوده و انتظار نتایج حسنه است.

متمم لازم این اقدام اجرای احکام صادره از طرف محاکم مختلفه و ژنرال قنسولگری‌های خارجه می‌باشد. تا این اواخر، در موقع اجرای احکام و توقیف اموال محکومین، ژنرال قنسولگری یا هزار وسیله در صدد تعویق اجرا و عدم انجام تعهدات و تکالیف خود برمی‌آمد و یا اینکه قبل از وقت به اتباع اطلاع می‌داد که اموال و مال‌التجاره و انبارهای خود را به بانک یا (۱۹) به جای امنی بسپارند که از توقیف مصون باشد.

از تشریحی که سابقاً در این خصوص نمودم معلوم می‌شود که این قبیل حرکات برای مهاجرین ایرانی چه نتایج وخیمه داشته است. اما بعدها نه فقط در ژنرال قنسولگری دادخواهی صحیح خواهد شد، بلکه علاوه بر این، احکامی که از طرف محاکم خارجه بر علیه اتباع ایران صادر شده باشد بدون ضعف مجری خواهد شد، مخصوصاً در مورد جلوگیری از مقاصد و وسایل تقلب‌آمیز.

مسلم است ژنرال قنسولگری در صورت لزوم، یعنی در صورتی که کیفیات مخصوصه به واسطه وقایع ناگوار و اتفاقی حاصل شده باشد، مداخله نموده نخواهد گذاشت درباره اتباع تعدی و سختی به عمل آید. ولی از طرف دیگر، در مورد جلوگیری از اعمال و حرکات مشروحه در ابتدای این راپرت، ژنرال قنسولگری در اقدامات سخت شرکت خواهد کرد.

البته این ترتیب جدید ژنرال قنسولگری از طرف تمام اشخاصی که صرفه آنها در این عدم فعالیت و حماقت ژنرال قنسولگری بوده است، اسباب داد و فریاد زیاد خواهد شد. ولی ما جسارت ورزیده، برای تأیید اقدامات تصفیه‌ای که شروع کرده‌ایم به تصویب و ثبات اولیای امور در طهران امیدوار هستیم.

از این بابت که در این خصوص زیاده از اندازه شرح و بسط داده‌ام، معذرت می‌خواهم. اما این

فقره به نظر بنده چون راجع به یک عده ایرانیانی است که بیشتر از سایر جاها نفوس داشته، بیشتر از همه کاری بوده و تجارتشان مهم تر است، لہذا به نظر بنده از مطالب مهم می آید.

اگرچه این فقره به طور غیر مستقیم به مطالب فوق راجع می شود، ولی لازم است چند کلمه هم در خصوص هیئت ترجمان های ژنرال قنسولگری به عرض برسانم. هیئت مزبوره از وظایفش این است که در مقابل محاکم خارجه با اتباع ایران مساعدت نموده، ایرانی ها را در مقابل مأمورین ممالک دیگر حمایت کنند. بنابراین مسئله ترجمان ها خیلی اهمیت دارد. بدیختانه، در این خصوص مدت ها غفلت شده و فعلاً چهار نفر ترجمانی که در ژنرال قنسولگری هستند عده آنها زیاد و لیاقتشان کم است. برای رسیدگی به کارهای ایرانیان، دو نفر مترجم کافی است.

اتباع ایران که حقاً از طرف ترجمان های مذکور متوقع خدمات جدی هستند خیلی شکایت می کنند و از بی اطلاعی آنها از علم حقوق و رشوه خواری و عدم جدیت آنها شکایت دارند. سه نفر از این مترجمین در سنی هستند که باید به فکر تقاعد آنها بود و اما چهارمی اینک به فساد اخلاق افتضاح آمیزی متهم شده که ظاهراً اسباب عزل او بشود.

بناءً علی هذا، تصفیه ترجمان ها آسان است، مشروط بر اینکه امنای مالیه به اندازه تقاعد آن سه نفر اعتبار بدهند، زیرا نمی توان مأمورینی را که متجاوز از بیست سال خدمت نموده و در خدمت پیر شده اند، بدون عوض و اجر مرخص کرد.

در آتیه راپرت مشروحي دایر بر پیشنهاد اقدامات مفیده در موقع تجدید و اصلاح هیئت ترجمان های تمام قنسولگری ها تقدیم خواهم نمود.^۱

منابع

- آریان پور، علیرضا، تاریخ گمرک و گمرکخانه در ایران، چاپ اول، طهوری، تهران ۱۳۹۹.
- اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۱، پرونده ۱.
- _____ سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۱، پرونده ۷.
- _____ سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۱، پرونده ۲۳.
- اسناد سازمان اسناد ملی، شماره سند ۳۶۰/۵۱۱۳.

۱. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸، کارتن ۱۱، پرونده ۱.

خان ملک ساسانی، احمد، یادبودهای سفارت استانبول، چاپ دوم، بابک، تهران ۱۳۵۴.

دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۱۰.

«رجال صدر مشروطیت»، مجله یغما، سال ۵، ش ۴، تیرماه ۱۳۳۱، ص ۱۶۸-۱۷۳.

سلیمانی، کریم، القاب رجال دوره قاجاریه، چاپ اول، نی، تهران ۱۳۷۹.

علوی، ابوالحسن ← «رجال صدر مشروطیت»

عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، امیرکبیر، تهران ۱۳۹۳.